

تاریخ: ۵۸/۳/۲۲

بیانات امام خمینی در جمع وزیر امور خارجه و هیأت سفرای ایران در کشورهای خارج

بسم الله الرحمن الرحيم

شستشوی مغزی ملت ایران در جهت بی محتوایی و گرایش به غرب

آنچه که به نظر من مهم است این است که در زمان این پدر و پسر نالایق - بیشتر در ایران واقع شده است این است که - با تبلیغات دامنه دار هر طرفی اینها کاری کردند که مهم این است که محتوای ما را از ما گرفتند و ما را همچو مومن به غرب کردند که حاضر نیستیم غیر از مطالب غرب چیزی را قبول بکنیم. جوان های ما تقریباً خیلی هایشان اینطور شدند که از یک ایرانی، متحول شدند به غربی و این یک خطری است برای کشوری که اصلاً خودش را دیگر قبول نداشته باشد هر چه قبول دارد، اجنبی را قبول داشته باشد جای خود، یک کس دیگر نشسته باشد و به اصطلاح شما، مغزشویی شده، آنها را شستشوی مغزی دادند و آن ملیت خودشان را، اسلامیت خودشان را شسته اند و به جای آن غرب را نشانندند و به حیث اینکه ما اگر چیزی هم خودمان داشته باشیم، باز دستمان را دراز می کنیم پیش غرب، مثلاً ما می دانیم که مهندسی ما داریم که می توانند اسفالت کنند، می توانند عمارت بسازند، می توانند - عرض بکنم که - راهسازی کنند معذک و وقتی که صحبت می شود، یک معمار غربی باید بیاید و عمل کند. ما طبیب داریم ولی وقتی که یک نفر مریض می شود، باید بفرستیم به خارج با اینکه طبیب در میان ما هست لکن طوری ما را الان تحقیر کردند اینها و ما را میان تهی کردند که ما باورمان آمده است که ما هیچی نداریم و آنها همه چیز دارند در صورتی که ما راجع به همین پیشرفت هایی که اینها کرده اند، باید بنشینیم حساب کنیم ببینیم که آیا این پیشرفت ها زو به تمدن دارد می رود یا رو به توحش دارد می رود؟ من تعبیرم این است که امریکا و سایر این دول غربی و شرقی اینها ترقیاتی کرده اند به این معنا که انسان ها را دارند حیوان درنده بار می آورند، تمام این کارها که کرده اند، برای درندگی است (ملت را نمی گویم، دولت ها را می گویم) تمام افکار متوجه این شده است که یک چیزی درست کنند که کوبندگیش از آن سابق بیشتر باشد. همین پریروز بود که روزنامه من دیدم که فلان چیز را درست کرده اند که پنج مرتبه بالاتر از آن بمبی است که در ژاپن ریختند و چند هزار نفر را کشته اند. دنبال این هستند که یک آلت قتاله درست کنند یعنی دنبال این هستند یک حیواناتی درست کنند که این حیوانات درنده باشند، بدتر از حیوانات درنده قبلی. تمدن نیست، زو به توحش دارد می رود، غرب دارد رو به توحش، دارد می سازد یک مردمی را که بریزند به جان هم و با چنگ و دندانشان هم را پاره

GD000463

کنند. برخلاف تمدن که مکتب‌های الهی می‌خواهند انسان درست کنند که همه در کنار هم آسوده و آرام باشند، مکتب‌های اینها همه‌اش دنبال این معناست که باید این آنجا را بگیرد و آنجا را بگیرد بسزند، بکشند، چه بکند. ما باید حالا که یک همچو انقلابی پیش آمد، یک همچو نهضتی پیش آمد و اینها هم، این طبقه متوسط و پائینی احساس کرد که یک استقلالی دارد، باید همه ما دنبال اینها باشیم و این استقلال فکری را حفظ کنیم.

توصیه به سفرای ایران در حفظ استقلال و عدم خودباختگی در برابر محافل غربی آقایان حالا دارند تشریف می‌برند به ممالک خارج و بیشترش به ممالک غرب است. این جهت در نظرشان باشد که آن خودباختگی‌ها را که دولت سابق و دولت‌های سابق داشتند و چشم‌گو بودند، هر چه آنها می‌گویند قبول بکنند، آنها دیگر نباید باشند. همانطوری که ایشان (اشاره به وزیر امور خارجه) سفیر امریکا را رد کرد و هیچ کاری هم نمی‌شود بکنند، نمی‌توانند بکنند، شما هم وقتی که تشریف می‌برید در سفارتخانه‌هایتان، در محل کارتان می‌بینید یک انسان متحول از آن حاصل می‌شود و آنطوری که شاه بله قربان گو بود و من این را مکرر گفته‌ام و از بس متأثرم باز هم پیش شما عرض می‌کنم که من وقتی عکس شاه را پهلوی جاسون دیدم که جاسون عینکش را برداشته و از این طرف دارد چشم‌هایش آنطور می‌کند و نگاه می‌کند و به او نگاه نمی‌کند و او آن طرف میز او سر جای خودش ایستاده بود، او آن طرف میز او ایستاده بود مثل یک بچه مکتبی که ایستاده پیش معلمش چیز می‌کند، من همچو متأثر شدم که ما در چه حالی هستیم که این شخص اول مملکت ما به اصطلاح هست، در مقابل او اینطوری ایستاده و آن هم اینطور بی‌اعتنا چشم‌هایش را آن طرف گذاشته و در روزنامه انداخته بود این عکس را و تحمیل هم گمان می‌کنم کرده بودند که در روزنامه‌های ایران منعکس بشود، اینجور نباشد. ما الان یک مملکتی هستیم که مستقیم، کسی در ما دخالت نمی‌تواند بکند شما هم الان نماینده هستید از یک مملکتی که مستقل است، احتیاج اصلاً ندارید، آنها به ما احتیاج دارند، ما احتیاجی به آنها نداریم، آنجا که می‌روید با کمال استقلال عمل کنید. اینطور نباشد که آنجا وقتی شما رفتید باز همان حرف‌های سابق باشد و همان چیزهایی که سابق آنها می‌آمدند. شاه به صراحت بیان گفت که لیست و کلارا می‌فرستادند پیش دولت‌ها و آنها لازم بود که همین‌ها را تعیین بکنند. می‌گفت (می‌خواست تأیید خودش را بکند، تکذیب پدرش را می‌کرد) لیست را تا حالا اینطور می‌داد. تکذیب چند سال قبل خودش را هم می‌کرد که خیر حالا دیگر آنطور نیست حالا همان وقت هم آنطور بود لکن خوب، دستور بود که اینجوری بگوید. اینجور نباشد که هر چه آنها به ما می‌گویند، قبول بکنیم. خیر شما باید مستقل باشید و شجاع باشید، مملکت شما یک کاری کرد که دنیا را متحیر کرد. الان هم شما رفتید آنجا می‌بینید که چه جور به شما احترام خواهند گذاشت، ملت احترام خواهد گذاشت لکن آنها

هیچ ضعفی از خودمان نشان نمی‌توانیم بدهیم و نمی‌دهیم و این قدرت‌ها هم کنار زده‌ایم و خودمان هم مستقل داریم کار خودمان را انجام می‌دهیم. شما هم الان از طرف یک دولتی که این قدرت‌ها را کنار گذاشته و خودش جایش نشسته و خودش در حکومت نشسته و استقلال دارد، یک حکومت اسلامی است. به عنوان اسلام مستقل است، اسلامی که هفتصد سال تقریباً تمام قاره آسیا و اکثر بسیاری از جاهای اروپا را تحت سلطه‌اش بوده است.

بعد اسلامی و ایمانی نهضت را که موجب پیروزی شد حفظ کنید

در هر صورت و مهمتر از این، اینکه این جهت اسلامیت را نگه دارید. آنکه این نهضت را پیش برد قدرت اسلام بود، نه ما بودیم، نه شما بودید، نه دولت بود، نه جبهه‌ها بودند، نه نهضت‌ها بودند، نه — عرض بکنم که — احزاب بودند، هیچ یک از اینها، نه بازار بود، همه اینها وقتی آن روح اسلام آمد در آنها، این کارها انجام گرفت، آن روحی که الان هم یک قدری فرض کنید دارد سنت می‌شود که مکرر پیش من آمده‌اند، جوان‌ها قسم داده‌اند به من که شما دعا کنید ما شهید بشویم، حالا هم دارند می‌گویند. خوب، حالا که دیگر قضیه میدان جنگ نیست الان هم به من می‌آیند می‌گویند که شما دعا کنید ما شهید بشویم. این تحول اسباب این شد که ما پیش بردیم، شما این جهت ایمان و اسلام را حفظ کنید، در سفارتخانه‌هایتان رنگ اسلامی بدهید، نترسید از اینکه بگویند اینها — عرض بکنم — عقب افتاده‌اند. آنها عقب افتاده‌اند، آنها که دارند مردم را می‌کشند به عصر حجر عقب افتاده‌اند، نه ما که می‌خواهیم مردم را بکشیم به تمدن، به تمدن به معنای واقعی. نترسید از حرف‌هایی که اینها می‌زنند. هیچ قدرتی در مقابل اسلام نیست، همین قدرت است که یک عده کمی غلبه کرد بر یک عده زیادی، بر قدرت‌های زیاد. سفارتخانه‌هایتان را، اداراتان که در آنجا دارید، همه را اسلامی کنید، آن جهات غربی‌اش را اصلاح کنید. هر چه جهت اسلامیش بکنید آنها بیشتر از شما حساب می‌برند، هر چه طرف غرب بروید آنها از شما بهره می‌برند، شما این مطلب را که با آن از یک مملکت اسلامی رفته‌اید، با یک حال اسلامی رفته‌اید و مسائل را اسلامی می‌خواهید حل بکنید، این مطلب را در همه جا که هستید در نظر داشته باشید، بعد از یک چند دفعه تجربه کنید ببینید احترام بیشتر خواهد شد. وقتی دیدند شما یک ایده‌ای دارید که سر آن ایده باقی هستید و پافشاری دارید می‌کنید، اینها هم با شما چیز می‌شوند، اگر شما یک قدم کنار بروید، یک قدم عقب بروید آنها جلوتر می‌آیند. وضع همین است، یک قدم شما عقب بروید آنها یک قدم جلوتر می‌آیند، بیشتر از شما توقع دارند.

تأکید فراوان بر شروع مطالب با «بسم الله الرحمن الرحيم»

مجالستان را هم مجالس اسلامی کنید. — عرض بکنم که — سفارتخانه‌هایتان، سفارتخانه اسلامی کنید، همه جهات را چیز بکنید، اسم خدا را آن بالا یک جا بنویسید، بسم الله الرحمن الرحيم را بنویسید، در کاغذهایتان بسم الله الرحمن الرحيم باشد، خوف نکنید از اینکه به ما می‌گویند چی، همین تعلیمات

آنهاست که ما را غریزه کرده که می ترسیم که بسم الله الرحمن الرحيم را بنویسیم روی کاغذهايمان. من
این را به آقایان هم گفتم که این را رسمی اش بکنند که بسم الله الرحمن الرحيم در همه کاغذها باشد. این
دولت عراق با اینکه سیرانشان اعتقاد به این مسائل اصلش شاید بسیاریشان نداشته باشند لکن در
کاغذهایشان بسم الله الرحمن الرحيم همه هست، همه کاغذها را، وقتی هم که صحبت می خواهند بکنند،
همان جا که می نشینند بسم الله الرحمن الرحيم می گویند و صحبت می کنند. از بسم الله الرحمن الرحيم
ترسید، شیطان می ترسد، شما ملک هستید انشاء الله.

لزوم پرهیز از مجالس طاغوتی و برپائی محافل ساده اسلامی
در هر صورت آنکه من زیاد به نظر اهمیت دارد این است که آقایان از غرب ترسید، اینقدر ما
را که ترسانده اند، در غرب هم خبری نیست، ترسید - هر وقت خودتان - مستقل و عرض بکنم
اسلامی و مطالب اسلامی، مجالس اسلامی، آنجور مجالسی که آن طاغوت داشت، نداشته باشید، آن
مهمانی های کذا را نکنید، مهمانی اگر کردید ساده باشد، وقتی ساده باشد - عرض بکنم که - مراسم
دینی اش محفوظ باشد و امثال ذلک جهات سیاسی اش هم آقای دکتر و خود شما بهتر اطلاع دارید و
من دعا می کنم برای شما، انشاء الله خداوند همه شما را حفظ کند و همه ما را آشنای به وظائفمان بکند
که یک مملکتی که حالا دست شما آقایان و ما افتاده است، بتوانیم آن را درست اداره کنیم، بعد نگویند
که اینها نتوانستند، حالا که نتوانستند قیم می خواهند و ما قیم شان باید باشیم. اینجور نباشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته